



تأثیرات منازعات اخباریان و اصولیان سده ۱۳-۱۴ ق در اعتقادات جامعه فرهنگی و هنری شیعی معاصر

یاسر علیزاده ^۱ ID، حسین سلیمانی آملی ^۲ ID، عبدالله رجایی لیتکوهی ^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معارف و فلسفه اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، ایران، Alizade.yaser@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) گروه معارف و فلسفه اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، ایران، soleimaniamoli@gmail.com
^۳ گروه معارف و فلسفه اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، abdollahrejaee@yahoo.com

چکیده

فقه‌های شیعه در نگرش دینی و شرعی و نیز در منابع و روش استنباط از احکام به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم‌بندی می‌شوند. مکتب اخباری به واسطه حکومت صفویان در حدود دو سده اندیشه مسلط در جامعه شیعی بوده و با نظریه‌پردازی‌های ملازمین استرآبادی خلق و بسط پیدا کرده است. و این روند تا زمان گسترش اندیشه‌های بهبهانی و شاگردانش ادامه داشته است. این اندیشه‌ها موجب افول اخباریان گردید. با پیروزی اصولیان و به تبع آن قدرت‌یافتن اجتهاد، زمینه ورود علما به سیاست فراهم شد. لذا اصولین تأثیری شگرف در جامعه امروزی ما برجا گذاشته‌اند که هنوز هم قابل مشاهده است. در تحقیق پیش‌رو به موارد مورد نزاع و ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون پرداخته می‌شود و اعتقادات هر یک مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود کدام یک در عصر معاصر مورد قبول فقه‌های حاضر است. همچنین به این سؤال پاسخ داده می‌شود که عقاید این دو گروه چگونه باعث شکل‌گیری عقاید شیعه معاصر شده است. در پایان نیز این نتیجه اخذ می‌شود که امروزه اصولین توانسته‌اند با پیروزی بر اخباریان غالب فکری فقه‌های شیعه را مورد توجه خود قرار دهند و مسیر عقلانی را بر برابر مسیر روایی محض بسط دهند. از سوی دیگر، بخش مهمی از انگاره‌های فرهنگی و هنری جامعه شیعی معاصر تحت‌تأثیر این دو مکتب فقهی است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نزاع و ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون.
۲. بررسی اندیشه‌های فقهی در جامعه فرهنگی و هنری معاصر.

سؤالات پژوهش:

۱. ریشه‌های اختلاف میان اخباریان و اصولیون به‌عنوان مکاتب فقهی چیست؟
۲. اندیشه‌های فقهی چه تأثیری بر جامعه فرهنگی و هنری معاصر داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۵۵۷ الی ۵۷۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

اخباری‌گری،
اصولی‌گری،
تنازع فرقه‌ای،
تشیع معاصر،
صفویه.

ارجاع به این مقاله

علیزاده، یاسر، سلیمانی آملی، حسین، & رجایی لیتکوهی، عبدالله. (۱۴۰۲). تأثیرات منازعات اخباریان و اصولیان سده ۱۳-۱۴ ق در اعتقادات جامعه ی فرهنگی و هنری شیعی معاصر. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۵۷۰-۵۵۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.3507492017)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2022.3507492017](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.3507492017)

مقدمه

انسان در عرصه حیات زندگی اجتماعی و وابستگی به الزامات آن ناچار است تا از زبان، آداب و رسوم، ملیت و قومیت، دین و مذهب و سایر چارچوب‌های جمعی و اعتباری پیروی نماید. در بسیاری از موارد، نفوذ این مؤلفه‌ها بر هویت انسان نه تنها بسیار عمیق است بلکه خارج از حوزه انتخاب انسان است. بدین معنا که هویت‌های متعارضی که انسان در طول زندگی اجتماعی خویش کسب می‌کند به نوعی بر او تحمیل می‌شود و انسان در انتخاب آن نقشی ضعیف یا ناخودآگاه دارد. برخی بر این باورند که بدون داشتن هویت، انسان قادر به ادامه حیات اجتماعی نیست. از این منظر، انسان باید به کمک این مؤلفه‌های قومیت و نسب، ملیت و نژاد، زبان و گویش، دین و مذهب و ... به دنبال بازنگری و بازسازی هویت تحمیلی و استقرار آن در خود باشد تا به این وسیله هم از پوچی و بی‌ارزشی نجات یافته و هم به جایگاه درخور و بالای اجتماعی خودش دست یابد.

در جامعه شیعی ایران در دوره معاصر، دو گرایش هویت‌بخش، جریان اخباری‌گری در تقابل با جریان اصولی‌گری وجود دارند. جریان اخباری‌گری یکی از جریان‌های فکری خسارت‌باری است که در دنیای اسلام پیدا شد و اثرش هم جمود فکری است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱/ ۱۰). بنابراین سعی می‌کنیم این درک کلی را به دست آوریم که مدعای کلی اخباریه و منبع معرفت آن چیست؟ و چرا اصولیون با آن‌ها مخالفند؟

وقتی جمود^۱ و تأکید بر حجیت و حقانیت اخبار و حدیث بر اندیشه‌ها حاکم شود، مخصوصاً هنگامی که فردی جمود بر او حاکم شده است در سطحی قرار گیرد که جامعه هم از او پیروی کند، در این صورت چه‌بسا بسیاری از مشکلاتی که مردم در ابعاد مختلف متحمل می‌شوند، ناشی از همین دیدگاه باشد. البته پیروی انسان‌ها از دین ضروری است، ولی نه دینی که صرفاً برخاسته از ذهنیتی غلط است. چه‌بسا دیدگاه و فتوایی چون همه جوانب بحث در آن دیده نشده و شأن نزول بحث نیز فهمیده نشده است، به همه مردم و همه شرایط سرایت داده شود؛ درحالی که مطلب مربوط به شرایط خاصی دیگر بوده است نه همه شرایط؛ برای فرد خاصی بوده است نه همه افراد، یا مخصوص مردان بوده است نه زنان. همان‌گونه که لازم است در دین احتیاط رعایت شود، رعایت حقوق مردم هم بخشی از دین است که بدان سفارش شده است و کسی نمی‌تواند حساب مردم را از حساب دین جدا کند (جوادی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۳). از نظر نگارنده بیشتر تغییرات و نیز رویه‌های ستیز در این دو جریان اخباری‌گری و اصولی‌گری در دو سده اخیر اتفاق افتاده است و نتایج آن مخاصمات در سده معاصر در اعتقادات مردم و علما نمایان شده است. لذا سؤال اصلی این پژوهش در گرو حل این مسئله خواهد بود که تأثیر منازعات اخباریان و اصولیون در دو سده اخیر بر عقاید جامعه شیعی در سده حاضر چیست؟ این هویت دینی چه تأثیری بر انگاره‌های فرهنگی و هنری داشته است؟

^۱ وقتی ظاهر اخبار و احادیث صادره از امامان شیعه حق مطلق و تنها منبع معرفت دینی به‌ویژه فقهی و شرعی باشد، در این وت این نحوه نگرش به جمود منجر می‌شود طبق گواهی تاریخ مشکلات عظیمی را برای جامعه پدید می‌آورد و بستر منازعات خونی و طولانی را بین دو جناح از روحانیت شیعه را فراهم می‌سازد.

۱. ریشه‌های اعتقادی اخباریان

اخباریان، یکی از فرق شیعه هستند که در افکار خویش از فرق حنابله و ظاهریه اهل سنت تأثیر پذیرفته‌اند. در اوایل سده یازدهم هجری در حوزه‌های فقهی شیعی جریانی پدید آمد که طی آن به شدت با حضور عقل و اجتهاد در میدان تفقه و شریعت به مخالفت برخاسته و بر ظاهر اخبار صادره از امامان شیعه توقف کردند؛ در عوض به صورتی افراطی به ظاهر احادیث تکیه می‌شد. این جریان در میان فقها به «اخباری‌گری» یا مکتب «اهل حدیث» موسوم شده است. مؤسس این جریان فکری فردی به نام محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۶) است که شخصاً فرد اهل مطالعه و با تجربه‌ای بوده است. او کتابی دارد به نام فوائدالمدنیه که در آن سعی وافر در بی‌اعتبار کردن کاربرد عقل علمای اسلام در عرصه فقه شرعی و ظاهر حدیث به جای استنباط احکام شرعی جایگزینی کرده و نیز با شدت زیاد به جنگ با مجتهدان پرداخته است (نظری، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

۲. شکل‌گیری اخباریه

بر پایه گزارش مجلسی، محمدامین استرآبادی کتاب معروف فوائد مدینه را در مدینه نوشت و به ایران و عراق فرستاد. با مطالعه آن بیشتر علمای ایران و عراق که اصولی بودند تأثیر پذیرفته و اخباری شدند. او شاگرد محمدامین استرآبادی (۱۰۲۸ق) است. وی نخستین کسی است که با صراحت هرچه تمام‌تر زبان به طعن و سرزنش فقها و مجتهدان گشود و اقوال آن بزرگان را به انتقاد و استهزاء گرفت (دوانی، ۱۳۶۲: ۹۰). محمدامین استرآبادی در زمان حیات خویش در سفری به مکه ادعا کرد که در عالم رؤیا پیامبر اسلام را ملاقات کرده و مسئولیت احیاء و حفظ سنت خویش را به ایشان محول فرموده‌اند. ایشان با بهره هوشی فراوانی که داشت توانست جریان فکری اخباری‌گری را در فقه شیعه براه بیندازد. داستان این فرقه و کیفیت تأثیر آن بر جامعه مسلمین به‌خصوص در دوران پس از صفویه داستانی طولانی و دردناکی است. علمای این فرقه با رجوع به ظاهر روایات و احادیث ائمه اطهار و فروگذارن آیات قرآن کریم به قرائت جدیدی از دین اسلام روی آوردند که منجر به بروز و ظهور جریان فکری فاجعه‌باری شد.

مهم‌ترین نکته‌ای که از سخنان شهید مطهری درباره مکتب اخباری می‌توان استخراج کرد، همین مطلب است که این جریان، جریانی ضدعقل است و به دلیل مخالفت با نقش مطلق عقل در فهم دین و به عبارتی تعطیل کردن عقل، تشیع را به نتایج مصیبت‌باری دچار کرده است. البته اگر فعالیت این جریان طبق گفته برخی محققان، با قیام و اقدام عالمان بزرگی چون وحید بهبهانی و شیخ انصاری و دیگران محدود می‌شد، باز جای توفیق الهی بود. اما در بطن و متن جریان اصولگرایی جاخورد و اصالت حدیث مبنای فقه و اجتهادگری و تا امروز این جریان، جمودگرا (به تعبیر تمام محققان اصولی) در قالب اجتهاد در شیوه حدیث‌شناسی، و معیارهای شناختی فقط حدیث صحیح سقیم ادامه یافت و هم‌اکنون نیز تفقه و اجتهاد، اغلب در همان سطح استنباط از حدیث محدود ماند. بنابراین، چنانچه خود شهید مطهری معتقد است، ادامه پیدا کرده است. اخباریان تعصب راجع به اخبار پیدا کردند که صحیح و ضعیف را با هم یکی دانستند. این

جریان یکی از آن جریان‌های فکری خطرناکی است که در دنیای اسلام پیدا شد و اثرش هم جمود فکری است؛ همان چیزی که الان ما به آن مبتلا هستیم (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵۰).

۳. باور اخباریان به عدم حجیت عقل

عباراتی از اخباری‌ها وجود دارد که ظهور در عدم‌جواز عمل به معارف یقینی دارد که از راه مقدمات عقلیه به دست آمده باشد. ولی در میان عبارات ایشان اختلافاتی نیز وجود دارد که باعث شده است مجتهدین در برداشت مقصود آن‌ها دچار تشکیک و اختلاف شوند. علمای عصر حاضر به تفصیل در کتب خود در رابطه با این نظریه به بحث و بررسی پرداخته‌اند اما هرکدام با نگرشی متفاوت و مطابق با برداشت‌های خود کلام اخباری‌ها را تحلیل کرده‌اند. محدث استرآبادی که بانی و مروج مسلک اخباری‌ها می‌باشد، مدرک و مستند احکام شرعی را منحصر در سماع از ائمه معصومین دانسته و برای اثبات مدعای خود استدلال‌هایی را ذکر می‌کند. چون هر طریقی غیر از سماع از معصومین به اختلافات کشیده شده و موجب نقض غرض از بعثت رسولان الهی و انزال کتب آسمانی می‌باشد. همچنین در احکام شرعی و سایر علوم نظری و عقلی بعید از محسوسات، خطا و اشتباه راه دارد؛ چون احتمال اشتباه در ماده استدلال در این دسته از علوم زیاد است. اگرچه مصونیت فکر از خطا تدوین شده، ولی در منطق فقط نسبت به حالات و قواعد «صورت» استدلالات بحث و بررسی شده ولی در تحصیل حیث «ماده» استدلال ساکت است (خطیبی، ۱۳۹۶: ۱۰). بنابراین عقل در فهم احکام و تطبیق آن با نیازهای انسان فاقد حجیت است. او کارآیی و حجیت عقل را در محدوده امور حسی و یا نزدیک به محسوسات مانند ریاضیات می‌داند؛ یعنی در غیر اینها حجت نیست. البته اخباریان به کارایی عقل عملی در تشخیص خوب و بد اعتقاد دارند ولی آن تشخیص را فاقد حجیت شرعی می‌دانند.

استدلال محمدامین استرآبادی آن است که فهم قرآن مخصوص و منحصر به اهل بیت پیامبر است و لذا به جای رجوع به قرآن کریم و احادیث نبوی باید به کلام معصوم مراجعه کرد. بر این اساس، آیات قرآن کریم به طور مطلق و بجز بخشی از احادیث نبوی که مورد تأیید اخبار رسیده از امامان شیعه باشد مورد استفاده و برداشت عملی نیست. ایشان در این عقیده تا آنجا پیش رفته است که قرآن را تنها برای تبرک قابل قرائت دانسته و احادیث نبوی را تا آنجا قابل استفاده می‌داند که هم‌سو با روایات رسیده از امامان باقر (ع) و صادق (ع) باشد. بر این اساس، تفسیر برهانی قرآن کریم جایگاهی نداشته و تنها تفاسیر روایی معتبر هستند. اما عمده‌ترین دلیلی که محمدامین استرآبادی برای عدم حجیت ظواهر قرآن ذکر می‌کند این است که قرآن دارای آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است و نیز همراه با قرائنی است که تفسیر آیات بدون آن قرائن امکان ندارد از نظر وی علم به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن و سایر قرائن قرآن تنها در اختیار ائمه معصومین است، لذا در تفسیر قرآن هم باید به احادیث ائمه رجوع نمود (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۹۴).

در منظر اخباریان، قرآن کریم در جایگاه نظر، حائز رتبه نخست است و پس از آن ادله سنت و اجماع قرار دارد، لکن در جایگاه عمل تنها سنت از حجیت شرعی در بیان احکام برخوردار است. به همین جهت، محمدامین استرآبادی مدعی

شد که همه اخباری که در کتب روایی اربعه شیعه (یعنی، کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار اعم از اخبار صحیح یا ضعیف آمده) صحیح و بلکه قطعی‌الصدور است. حتی اخباریان معتقدند که قرآن کریم تحریف تقلیل شده است. آن‌ها این عقیده را از احادیث مندرج در کتب حدیث فوق‌الاشاره به‌دست آورده‌اند. احادیث مستند این فرقه می‌گویند که قرآن جمع‌آوری شده توسط خلفای صدر اسلام شامل همه آیات نیست بلکه برخی آیات در حین جمع‌آوری از قلم افتاده است. همچنین معتقدند که نام علی(ع) نیز جزو آیات حذف شده بوده است. البته آن‌ها عدم افشاء صریح تحریف به نقصان قرآن کریم از سوی امامان شیعه را به دلیل رعایت اصل تقیه از سوی آنان می‌دانند.

۴. باور اخباریان دربارهٔ ادلهٔ شرعی

براساس این اصل، اخباری‌گری ضد مکتب اجتهاد و تقلید و تعقل است. اجتهاد در نظر اخباریان به معنای فهم شخصی مجتهد از کتاب و سنت است و این فهم به‌منزلهٔ قانون‌گذاری و بدعت در دین است و لذا اجتهاد در دین حرام است به حکم این اصل، از آن‌جایی که حجت و سند در انحصار احادیث است و حقی برای اعمال نظر و اجتهاد وجود ندارد لذا مردم باید مستقیماً به متون مراجعه کرده و به آن‌ها عمل نمایند و هیچ عالمی را به‌عنوان مجتهد و مرجع تقلید واسطه قرار ندهند. همچنین اخباریان می‌گویند که مردم نباید از امام درخواست دلیل در تبیین مسئله نمایند؛ چراکه در چنین حالتی پیروی مردم از امام به‌خاطر دانستن دلیل خواهد بود و لذا در رابطه مردم با امام صداقت و خلوص از بین می‌رود؛ بنابراین رابطه خالصانه و صادقانه بین امام و مأموم موقعی ایجاد می‌شود که مردم بدون درخواست دلیل از نظرات امام معصوم پیروی کنند. بنابراین با بازتولید اندیشه اخباری، باتوجه به نسبت و میزاج جریان بازتولید شده، جایگاه اجتهاد در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ چراکه یکی از ویژگی‌های اصلی جریان اخباری مخالفت با اجتهاد است. با از بین رفتن و یا کم‌رنگ‌شدن اجتهاد، اولاً مجتهد، شاع و برتری بر سایر مردم نخواهد داشت تا از این طریق از قدرت ولایت برخوردار باشد. ثانیاً مجتهد صلاحیتی برای صدور احکام سیاسی که نقش مهمی در تحولات سیاسی دارد نخواهد داشت (فیض‌افرا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

در جایی که اصولیون مباحث گسترده‌ای پیرامون حجیت ظنون خاصه برای استنباط احکام مطرح کرده ظنون مختلفی را از اصالت حرمت عمل به ظن خارج می‌کنند، اخباریانی همچون استرآبادی فقط در یک مقام - یعنی در اثبات حجیت خبر واحد - حجیت ظن را قبول کرده و در سایر موارد به مقتضای عمومات ناهیه از عمل به ظن، اعتبار هیچ‌یک از ظنون خاصه را نمی‌پذیرند؛ و حتی در مورد خبر واحد نیز فقط ظن ناشی از تردید در جهت صدور (که منشاء این تردید امکان تقیه است) را معتبر دانسته و نه ظن ناشی از تردید در سند و یا دلالت را هرچند اخباریان معتدل‌تری همچون محدث بحرانی ظهور آیات را نیز به شرطی که از محکمت محسوب شوند حجت می‌شمارند. پس در مورد خبر واحد به صرف قطع به ورود از ناحیه معصوم و قطع به دلالت (که این دو را نیز به توسط قرائن در بسیاری موارد، حاصل می‌دانند) اذعان به حجیت نموده این حجیت را مستند به دلیل قطعی (همچون روایات متواتر) می‌شناسند. علامه مجلسی به‌عنوان یک اخباری در این خصوص می‌گوید: «جواز عمل به خبر واحد ... قوی‌تر است زیرا عمل به آن

در زمان ائمه (علیهم‌السلام) بدون انکار و بلکه تجویز ایشان به این عمل [تقریر و قول ائمه] مورد تواتر معنوی است» (نک: اسلامی، ۱۴۰۰: سراسر مقاله).

اخباریان در دیگر آراء نیز تمایزات با دیگر شیعیان دارند. برای نمونه، ایشان به وجوب تقیه نیز معتقداند. ایشان تقیه را مساوی با کتمان عقیده دانسته و بر این اساس آن را واجب عینی می‌دانند (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۱/ ۲۲؛ جناتی، ۱۳۷۲: ۱۱۸). این عقیده باعث شده است تا اهل سنت با ناباوری به ابراز عقاید شیعه نگاه کنند و شیعه را همواره در حال تقیه بدانند. روشن است که این طرز تلقی دارای ابعاد بسیار مخربی است و از ایجاد وحدت عقیدتی بین دو گروه بزرگ مسلمان جلوگیری می‌کند. در نقد این نظر باید گفت که در نظر عقلاء، تقیه به معنای مدارا در روابط اجتماعی است بر این اساس، شخصی که تقیه می‌کند در ضمن آنکه بر عقاید خویش مستقر است از مرزبندی‌های اجتماعی بر پایه اختلافات عقیدتی خودداری کرده و صحنه اجتماع را میدان جنگ و نزاع با مخالفان عقیدتی خود قرار نمی‌دهد. اخباریان آراء متمایز دیگری هم در مسائل فقهی و آداب اجتماعی دارند.

۵. آراء فقهی متمایز اخباریان

از آن جمله، حرمت استفاده روحانیون از وجوه شرعی و خمس است. اخباریان بر لزوم امرارمعاش روحانیون و مبلغین دینی از منابع درآمدی مبتنی بر کار و تلاش آنان تأکید دارند و استفاده آنان را از وجوهات شرعی نظیر خمس و زکات حرام می‌دانند. علامه حلی، پس از اشاره به این قول و روایت‌های آن، حلال بودن خمس را خلاف اصل دانسته و به روایت‌های مخالف حلال بودن، اشاره می‌کند و بر این نظر است که روایت‌های تحلیل، ازدواج، مسکن و تجارت را در نظر دارند: «لیس بمعتمد للاصل الدال علی تحریم مال الغیر والاحادیث الدالّه علی المنع و احادیث الاباحه فمحموله علی المناکح والمساکن والمتاجر». قول به حلیت خمس، در دوران غیبت، قابل اعتماد نیست. زیرا اصل، حرام بودن استفاده از مال دیگران است و روایت‌ها بر این، دلالت می‌کنند.

اخباریان بر وجوب نماز جمعه تأکید داشته و آن را واجب عینی می‌دانند (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۱/ ۳۱۱). البته به نظر می‌رسد که این اصل اعتقادی اخباریان در مقام مقابله با اهل سنت است؛ چراکه اهل سنت نیز بر وجوب نماز جمعه تأکید دارند و اخباریان تحصیل علوم عقلی نظیر فلسفه، کلام و عرفان را حرام می‌دانند. حرمت در تحصیل این علوم باعث شد تا مکتبی به نام مکتب تفکیک در حوزه‌های علمیه تأسیس شود.

از دیگر آراء مشهور ایشان حرمت شهادت ثلاثه است. شهادت ثلاثه اصطلاحی است که به عبارت «أشهد ان علی ولی الله» در اذان و اقامه نماز مسلمانان شیعه اشاره دارد. علت این عقیده اخباریان آن است که این عبارت و وجوب بیان آن در اذان و اقامه نماز را در احادیث ائمه اطهار نیافته و لذا آن را بدعت در دین می‌دانسته و در نتیجه حکم به حرمت آن می‌دهند. اخباریان نه تنها در زمینه نظر دارای عقاید منحصر به خود هستند بلکه در مناسک و رفتارهای شخصی نیز دارای نمادهایی مخصوص به خود می‌باشند. این نمادها تا آنجا در ظاهر رفتار فردی و اجتماعی آن‌ها بارز و مشخص است که هر فرد آشنا با این نمادها به راحتی می‌تواند به اخباری‌گری شخص متظاهر پی ببرد. اخباریان ظواهر خود را

با استفاده از منابع حدیث، به سیره صحابه سلف یعنی کسانی که از یاران پیامبر بوده و واسطه بین ایشان و پیروان بعد از خود بوده‌اند، نسبت می‌دهند. از این‌رو، اخباریان را می‌توان در ابعاد رعایت مناسک و ظواهر رقیب سلفیون و حتی جایگزین آن‌ها در تشیع دانست.

۶. آداب اجتماعی متفاوت

برخی شعائری که اخباریان به آن پایبند هستند عبارت‌اند از: استحباب داشتن ریش، اصلاح شارب و آب‌خور، تعمم یعنی عمامه به سر گذاشتن و تلحی یا گذراندن یک پیچ از عمامه از زیر چانه و پیچیدن آن به سر و یا افکندن آن بر دوش است. در توضیح رسم اخیر باید گفت ریشه تاریخی این رسم به زمان پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. پیامبر اکرم (ص) همواره سعی داشت تا پیروان تازه مسلمان در ظاهر خود با کفار و مشرکین متفاوت باشند. در زمان آن حضرت، اعراب جزیره العرب در استفاده از دستار به روشی که به آن اقتعاط گفته می‌شد عمل می‌کردند در آن روش، دو سر دستار یا عمامه بر روی دوش قرار داده می‌شد. پیامبر اکرم (ص) برای تمایز، به مردان نو مسلمان، آموزش داد تا در نحوه بسر گذاشتن دستار یا عمامه از روش تلحی استفاده کنند. این روش هنوز هم در بین علمای اهل سنت و تشیع به‌خصوص در میان اخباریان مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته عالمان مشهوری همچون شیخ صدوق و فیض کاشانی رعایت این رسم را محدود به زمان صدر اسلام می‌دانند و رعایت آن را نه تنها لازم نمی‌دانند بلکه آن را ریا دانسته و لباس شهرت لقب داده‌اند (شهابی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱۲۲).

به همین ترتیب، باید از باورشان به لزوم اجتناب از تربیع یاد کرد. تربیع به معنای چهار زانو نشستن است و آن نوعی از نشستن است که در آن پاها از ناحیه زانو کاملاً خم شده و در زیر ران‌های مخالف قرار می‌گیرند. اخباریان می‌گویند که براساس روایات، تربیع از علائم مشرکین و مستکبرین بوده است و پیامبر اکرم نحوه نشستن دو زانو را که نماد تواضع و فروتنی در برابر خداوند است را انتخاب کرده بودند. بر این اساس، اخباریان می‌گویند که هر کس متریع باشد او نیز مشرک است. باور دیگرشان وجوب خضاب کردن است؛ به معنی آغشتن موی سر و ریش و دست و پا به حنا و گل‌گونه است. البته این سنت نیز منحصر به زمان پیامبر اکرم (ص) بوده است تا به این وسیله مردان نومسلمان از مردان غیرمسلمان متمایز باشند، لکن در زمانی که علی (ع) به خلافت رسیدند ایشان از خضاب کردن پرهیز کردند و فرمودند که اکنون اسلام وسعت پیدا کرده و می‌توان به شیوه‌های دیگری عمل کرد.

ایشان به تَخْتُم به معنای انگشتری در انگشت کردن معتقدند و آن را مستحب مؤکد می‌دانند. اخباریان این نماد را بر خود برگزیدند و انگشتان دست راست خود را به انگشتری مزین به سنگ‌های زینتی می‌آرایند. انتخاب انگشتان دست راست به جهت تمایز از اهل تسنن است؛ چراکه آن‌ها انگشتری را به دست چپ می‌نهند. البته ذکر این نکته مفید است که از قدیم‌الایام، افراد برای تأیید اسناد خود، آن‌ها را ممه‌ور به مهری می‌کرده‌اند که بر روی انگشتری حک شده بوده است. این رویه به ظهور انگشتر به‌عنوان شیء زینتی بدل گشته است. مسواک‌زدن با چوب اراک، اراک نام درختی است که در نواحی بیابانی عربستان می‌روید و به هندی به آن پیلو می‌گویند ظاهر آن مانند درخت انار و برگش پهن است.

چوب آن جلادهنده دندان و خوشبوکننده دهان است. اخباریان خود را موظف می‌دانند تا از چوب این درخت برای خویش مسواک تهیه کرده و قبل از اقامه نماز از آن استفاده کنند به همین جهت معمولاً علمای اخباری آن را در سجاده نگهداری می‌کنند. مورد دیگر نوشتن نام اسماعیل بر کفن میت، این سنت که بیشتر در نواحی مشهد مورد توجه و رعایت قرار دارد برخاسته از روایاتی است که حاکی از نوشتن شهادت بر موحذبودن اسماعیل پسر امام صادق (ع) از سوی ایشان بر کفن اسماعیل بوده است. علمای اخباری این سنت را همچنان حفظ کرده‌اند. همچنین نگهداری شمشیر در پشت‌بام، منظور اخباریان از انجام این عمل، اعلام آمادگی خود برای یاری‌رساندن به امام دوازدهم شیعیان در موقع ظهور است.

۷. ریشه‌ها و اعتقادات اصولیون

این گروه که در برابر عالمان اخباری قرار دارند خود را مجهز به علم اصول یعنی علم به قواعد حاکم بر استنباط از منابع شرعی می‌دانند. این گروه معتقدند که با استفاده از قوانین علم اصول می‌توان احکام فقهی و شرعی را با تکیه بر عقل، از منابع آن یعنی از آیات قرآن کریم، سنت و اجماع استخراج و استنباط کرد. به تعبیر دیگر، ادله اصولیون در استنباط احکام شرعی عبارت‌اند از: عقل، کتاب، سنت و اجماع. این کار مستلزم توانایی اجتهاد در قرآن کریم و حدیث است. اصولیون معتقدند که نباید مستقیماً از امامان شیعه تقلید کرد، بلکه باید از مجتهدین تقلید نمود.

اجتهادی که مدنظر اصولیون است به معنای کوشش علمی برای تحصیل ظن به احکام شرعی. و برخی هم قید از ادله معتبر شرعی را به آن می‌افزایند (علامه حلی، ۱۴۲۱ق/۲۸۳). ائمه شیعه در رد اجتهاد بیاناتی داشته‌اند ولی به‌نظر می‌رسد آنچه از ایشان نقل شده است ناظر به اجتهاد به رأی یا اجتهاد قیاسی است که در آن زمان در میان اهل تسنن رواج داشته است (علی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹۳). بنابراین، علمای شیعه با توجه به هشدارهای امامان خویش از قیاس کردن در احکام دینی پرهیز می‌کردند.

به این ترتیب برای به‌دست آوردن احکام خدا در موضوعات دینی دو طریق فراروی آن‌ها بود: یکی اجتهاد کردن که از سوی پیشوایان مذهب به آنان توصیه شده بود؛ مانند این سخن امام صادق (ع) که فرمود: «آما علینا ان نلقى الیکم الاصول و علیکم ان تفرعوا» بر ماست تا اصول (احکام) را برای شما بیان کنیم و بر شماست تا (با توجه به اصول) فروع آن را بیان نمایید (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۹). لذا اصولیون بر این نظر بودند که بهره‌گیری از اجتهاد مشروع، واجب است. از دیدگاه آن‌ها یک شیعه مؤمن باید یک عالم را که توسط همتایانش شایسته اجتهاد شناخته شده است و مجتهد است انتخاب کند و در مسائل فقهی از فرمان‌های او تبعیت و راه و رسم او را دنبال نماید (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶: ۲۰-۲۵).

۸. اهمیت دانش اصول

دومین مکتب تأثیرگذار در فقه و مبانی حقوق اسلامی، در سنجش با اخباری‌گری از دو ویژگی برخوردار است: (۱) دیدگاه عقل‌گرایانه، (۲) کاربرد گسترده علم اصول فقه و نقد سنت (مهم‌ترین و گسترده‌ترین منبع فقه اسلامی). دانش اصول برجسته‌ترین خصلت این مکتب به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که نام آن از همین خصلت اقتباس شده و خود دوره‌هایی را پشت سر گذاشته است. در آغاز دو شخصیت فقهی اصول‌گرای دارای شیوه اجتهادی و پایبند به استدلال عقلی توانستند به‌رغم مکتب حدیث‌گرای قم (پایبند به اخبار و روایات)، فقه شیعه را از حدیث جدا (مستقل) کنند (ثواقب، ۱۳۹۲: ۴۵).

آنچه از مدارک موجود می‌توان استفاده کرد این است که نخستین بار عقل توسط مجتهد نوپرداز فقه شیعه، ابوعلی ابن‌جنید (متولد ۳۸۱ق) در ردیف منابع اجتهاد و پایه‌های شناخت معرفی شده و در مقام استنباط مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا در آثار فقهی پیش از عصر او بحثی به این عنوان مشاهده نشده است. گویا همین نوآوری ابن‌جنید سبب گردیده که برخی از فقهای معاصر او، از روش این فقیه بزرگوار برداشت ناصحیحی داشته باشند و او را مورد تهمت‌های ناروا قرار دهند. متأسفانه در آن میان تنها ابن‌جنید از هجوم تهمت‌ها زیان ندید؛ بلکه فقه اجتهادی نیز آسیب فراوان دید و تکامل و گسترش و تنقیح مباحث آن با مشکل مواجه شد.

اصولاً در طول ادوار فقه، و ادوار اجتهاد، همواره اندیشمندانی بوده‌اند که چراغ عقل را در حوزه‌های استنباط افروخته نگاه داشته و از فقه اجتهادی منطقی و معقول حراست و آن را تقویت می‌کرده‌اند. از سوی دیگر، یورش‌های نابه‌جای برخی از جمودگرایان و زمینه‌های مناسب با جمودگرایی، کار پیشرفت و توسعه روش و تفکر ایشان را با کندی روبه‌رو می‌کرد؛ تا آن‌جا که تلاش پیگیر برخی از محققان نتوانست لطمه‌های وارده را به‌کلی جبران سازد (مظاهری کوهانستانی، میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸). اصولی‌گری با تأکیدش بر نقش هدایت‌کننده علمای دینی در نمایندگی کلی از سوی امام غائب و الگویی برای دینداران عادی، با افزایش قدرت علما در شهرهای زیارتی عراق، تشدید شد. این توسعه‌ها را می‌توان به شکل‌گیری حکومت در ایران قاجار و حکومت نوایی در اود هند نیز مرتبط دانست: طبقه حاکم در هر دو رژیم از اصولی‌گری حمایت می‌کردند. علمای اصولی برخلاف اخباری‌ها می‌توانند نماز جمعه برگزار کنند و به‌نظر می‌رسید در کارکردهای مرتبط با حکومت همچون جنگ‌های دفاعی نسبت به نیازهای حاکمان برخاسته در ایران و شمال هند پاسخگوتر بودند (طالب، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

از معروف‌ترین عالمان اصولی می‌توان به علامه حلی، شیخ مفید، وحید بهبهانی، شیخ مرتضی انصاری اشاره کرد. اصول فکری اصولیون در فقه و شریعت به‌اختصار عبارت‌اند از: عقل در فهم و استنباط احکام شرعی، مستقلاً دارای حجیت است. اصولیون در به‌دست آوردن احکام شرعی مستقیماً به قرآن کریم مراجعه می‌کنند و ظاهر آیات قرآن کریم را حجت می‌دانند و آن‌ها را بر ظاهر خبر ترجیح می‌دهند. اصولیون ادعای تحریف قرآن کریم را قبول ندارند و می‌گویند که اگر چنین چیزی بهره‌ای از واقعیت داشت حتماً توسط امامان شیعه افشاء می‌شد. البته اصولیون از پذیرش همه

اخبار و روایات به صرف درج آن‌ها در یکی از کتب چهارگانه سرباز می‌زنند و سند و دلالت هر یک را جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌دهند. اصولیون در مراجعه به سنت، به هر روایتی عمل نمی‌کنند، بلکه به بررسی سند و دلالت روایت و حل تعارض و تراحم میان آن‌ها می‌پردازند. در آثار مجتهدان اخبار به چهار دسته یعنی صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم‌بندی شده است.

اصولیون همه افراد جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کنند و می‌گویند که هر فرد یا مقلد یا مجتهد یا محتاط است. به تعبیر دیگر، تقلید از مجتهد در احکام شرعی را امری ضروری و واجب می‌دانند. اصولیون برای امام معصوم جایگاه خاصی قائل‌اند و آن‌ها را شریعت‌گذار می‌دانند. از این نظر آن‌ها امام را بالاتر از پیامبر می‌دانند و می‌گویند که آن‌ها می‌توانند بر قرآن هم بیفزایند اصولیون تقلید از امام معصوم را جایز نمی‌دانند و تقلید افراد جامعه را از غیر امام معصوم واجب می‌دانند آن‌ها در تبیین این حکم خود می‌گویند که تقلید به معنای پیروی و متابعت بدون دلیل است و لذا اگر مسئله‌ای به امام عرضه شود امام دلیل آن را می‌داند و لذا پیروی مردم در مسائل از امام دیگر تقلید نخواهد بود. بنابراین تقلید در مسائل از غیر امام یعنی مجتهدین معنی پیدا می‌کند؛ چراکه آن‌ها دلیل مسئله را نمی‌دانند. اصولیون ارتزاق مجتهدین و مبلغین از وجوهات شرعی را امری مباح می‌دانند و برای استفاده از آن در گذران زندگی و امرارمعاش جایگاه مقدسی قائل‌اند.

اصولیون بر ظن عمل می‌کنند و تقیه را واجب عینی ندانسته و آن را واجب عقلایی و اختیاری می‌دانند. اصولیون نماز جمعه را واجب اختیاری می‌دانند. آن‌ها به تأویل قرآن معتقدند و به کارگیری علوم عقلی نظیر فلسفه، کلام و عرفان را در فهم قرآن کریم مباح و مجاز می‌دانند. همچنین گفتن شهادت ثلاثه را از روی استحباب مجاز می‌دانند، هر چند که منبع اخذ استحباب را مشخص نمی‌کنند.

البته در منابع، اختلاف فکری دو جریان اخباری‌گری و اصولی‌گری تا سی مورد ذکر شده است که تنها به موارد اصلی آن در بالا اشاره شد. در حال حاضر روش غالب بر مراکز علمی دینی، روش اصولیون در فقه و شریعت است. با وجود اختلافات عمده‌ای که بین این دو گروه از عالمان دینی در فقهات وجود دارد لکن فتاوی‌ای هر دو گروه بیشتر متکی بر اخبار، روایات و احادیث است. به همین جهت نمی‌توان تفاوت‌های عمده‌ای بین نظرات آن‌ها در احکام شرعی یافت. تحقق این وضعیت حاصل آن است که عقل و عقلانیت از جایگاه واقعی خود در استنباط و استخراج احکام شرعی در نزد علمای اصولی تنزل کرده است. از طرفی، علمای اصولی در دخالت عقل برای تغییر احکام موجود با دو چالش بزرگ روبرو هستند، یکی آن که نمی‌دانند آیا تغییر حکم قدیم به حکم جدید مورد رضایت خداوند است یا خیر؟ دوم اینکه در صورت تغییر حکم قدیم به حکم جدید آیا حکم جدید مورد پذیرش مقلدین خواهد بود یا خیر؟ این دو چالش و ابهام در وضعیت باعث شده است تا علمای دینی در حوزه دخالت عقل در تدوین احکام جدید دچار تردید عملی شده و کارها را بیشتر بر محوریت سنت، احادیث و روایات امامان شیعه دنبال کنند. این رویکرد باعث شده است تا در سطوح

اولیه و بنیادی کار، علمای اصولی با عالمان اخباری به یکدیگر نزدیک شوند، هرچند که آن‌ها در ظاهر، از یکدیگر تبری می‌جویند.

۹. تفکرات فقهی در جامعه هنری معاصر

هنر در جوامع مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. در جامعه ایران از دیرباز مقوله هنر در ارتباط نزدیکی با انگاره‌های مذهبی قرار داشته است و مضامین مذهبی تبدیل به یکی از محورهای اسلامی هنر شده است. طبیعی است که تحولات مربوط به فرهنگ مذهبی در هنر نیز انعکاس یابد. در دوره معاصر و با شکل‌گیری مکاتب فقهی این تحولات بر کم‌وکیف فضای فرهنگی هنری جامعه ایران تأثیرگذار بوده است.

هنر در فقه جایگاه مستقلی ندارد و در فقه موضوعی که به مسائل هنری و فرعیات آن پرداخته باشد، وجود ندارد. با این حال، به‌صورت پراکنده به برخی مقوله‌ها اشاره شده است. فقها درباره تعریف موسیقی و غنا اختلاف‌نظرات زیادی دارند. گروهی از فقهای برجسته شیعه تشخیص معنای غنا را برعهده عرف گذاشته‌اند. بدین معنا که هرچه را که عرف غنا بدانند حرام است، هرچند طرب‌آور نباشد.

در خصوص هنر نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی نیز آرای فقهی نشان می‌دهد تصویرگری یا مجسمه‌سازی از چیزهای فاقد روح مانند درخت بدون اشکال جایز است. در فتوای فقها درباره اثبات حرمت مجسمه‌سازی اختلافی وجود ندارد. ساختن مجسمه موجودات دارای روح حرام و موجودات فاقد روح حلال است. بررسی آرای فقهی نشان می‌دهد که برخی از فقها به علت ناتوانی نقاش در دمیدن روح به جانور نقاشی شده حکم به حرمت آن داده‌اند. در مورد عکاسی نیز نظر فقها بر بلامانع بودن عکاسی و خرید و فروش آلات و ابزار آن دلالت دارد. به شرط آنکه برای گرفتن عکس فرد عکاس مجبور به انجام فعل حرام است (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱-۵). با این تفاسیر، به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی دایره تحولات شاخه‌های مختلف هنر در دوره معاصر نیاز به بازنگری و تنوع در ارائه و توسعه آرای فقهی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نزاع میان اصولی‌گری و اخباری‌گری در اوان ظهور قاجاریه در ایران و عتبات عراق تبدیل به چالشی واقعی در سطح سیاسی و اجتماعی در جامعه امامیه شد. بنابراین از نظر زمانی استقرار سلسله قاجار مقارن با دفاع بهبهانی و شاگردانش از مذهب اصولی بود. البته نزاع اصولی و اخباری در دوران دومین پادشاه قاجار، یعنی فتحعلی‌شاه تا حدود زیادی آشکار شد. اخباریان این بار با کوشش‌های محمدمامین استرآبادی اخباری به‌دنبال سیطره بر علمای اصولی برآمدند. به اعتقاد نگارنده اخبار‌گری با شکل معتدل‌تر در متن اصولی‌گری هضم و جذب شد؛ یعنی بعد از غلبه اصول‌گرایی دیگر تغییر چهره نداد تا به‌عنوان جنبش فکری دیگر به میدان بیاید. همان‌طور که گفته شد اعتقاد آن‌ها با اصولیون در اجتهاد و تقلید بوده است. این بحث که اغلب کتب اصولی به‌ویژه در آخرین فصول آن‌ها آمده، در واقع اضافه‌شده مدعیات اخباریه

است. در عمل نظر نگارنده این است که تعارض ذاتی غیرقابل جمع میان دو جناح و گروه وجود ندارد. اما عملاً نه علما و نه مردم وقتی به این تعارض‌های صوری نمی‌نهند.

گرچه در عصر ما در قالب مکتب تفکیک و اسلام سنت‌گرای ضدسیاست باز نمود کرده است، فعلاً با اضافه شدن باب اجتهاد و تقلید به‌ویژه کاربرد عقل عرفی در استنباط و اصدار احکام شرعی از تب و تاب این منازعه در دو قرن اخیر کاسته شده است. جنبش اصولی‌گری در نخستین دهه‌های سده نوزدهم آشکارا با استیلاي شاگردان و یاران بهبهانی همراه بود که عبارت بودند از فرزند او محمدعلی که ساکن کرمانشاه بود؛ شیخ جعفر نجفی معروف به شیخ اکبر و کاشف‌الغطاء از مخالفان اصلی محمدامین استرآبادی اخباری و مؤلف دو کتاب مهم در زمینه فقه اصولی به نام‌های الحق‌المبین و کشف‌الغطاء عن مبهمات شریعت‌الغراء می‌باشد که ساکن عراق بود اما هر سال به ایران می‌آمد؛ فرزند شیخ جعفر، محمدحسن نجفی، مؤلف جواهرالکلام حاج محمدابراهیم کلباسی و سید محمدباقر شفتی، هر دو اصفهانی، سید مهدی بحرالعلوم از نجف و شیخ ابوالقاسم قمی از قم، مؤلف قوانین‌الاصول (الکآر، ۱۳۷۱: ۱۲۴-۱۲۵).

با پیروزی اصولیون بر اخباریان، در عهد قاجار، علما در ایران سده نوزدهم نقش گسترده‌ای پیدا کردند و به اقتدار دینی انحصاری دست یافتند. از این‌رو، در پی شکست تفکر اخباری، رواج گفتار مسلط دینی در ایران بر عهده روحانیان اصولی بود و این گروه نقش رهبری معنوی و مادی خود را در بسیاری از تحولات نشان دادند. هرچند که مقام و موقعیت علمای اصولی با به حاشیه‌راندن اخباریان کاملاً تثبیت شده بود، اما گهگاهی این موقعیت برتر از سوی برخی گرایش‌های مذهبی رقیب از جمله صوفیان و شیخی‌ها مورد تهدید قرار می‌گرفت که آرمان مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها متزلزل ساختن موقعیت و مقام علمای شیعه و بی‌اثر ساختن نفوذ معنوی و مذهبی آنان بود (ایزدی اودلو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). البته به نظر نمی‌رسد این تهدیدات جدی بوده باشد و در نهایت، نگرش اصولیه و اعتقادات آن‌ها کما این‌که ذکر شد، اهم رویکرد علمای حاضر را تشکیل می‌دهد. این نگرش در انگاره‌های فرهنگی و هنری جامعه شیعی ایران در دوره معاصر نمود واضحی دارد.

منابع و مأخذ:

کتابها

- استرآبادی، محمدامین. (۱۴۲۴ق). الفوائد المدنیة. قم: النشر اسلامی.
- الگار، حامد. (۱۳۷۱). «نیروهای مذهبی در سده هجدهم و نوزدهم»، مندرج: سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- دوانی، علی. (۱۳۶۲). مؤسسه وحید بهبهانی. تهران: امیرکبیر.
- جناتی، محمدابراهیم. (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی. تهران: مؤسسه نشر کیهان.
- حراملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهابی، محمود. (۱۳۶۵). ادوار فقه. تهران: انتشارات سازمان چاپ.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۱ق). تسهیل الوصول الی علم اصول، ترجمه: سیدمحمد حسین، لندن: مؤسسه منشورات امام علی (ع)، تحقیق رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.
- وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۶ق). الرسائل الاصولیه، قم: علامه مجدد وحید بهبهانی.

مقالات

- اسلامی، مهدی. (۱۴۰۰). «حجیت ظنون». قابل دسترس در پایگاه اینترنتی راسخون ۲.
- ایزدی اودلو، عظیم و دیگران. (۱۳۹۷). «پیروزی علمای اصولی بر اخباری‌ها و اهمیت سیاسی آن در عهد قاجاریه». مطالعات سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۲۰-۱.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۹۲). «فرآیند تحول مکتب اخباری و اصولی با تأکید بر واکنش شیخ بهایی». پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ۷۹-۳۵.
- جوادی، قاسم. (۱۳۹۲). «اخباریان در نگاه شهید مطهری»، تماشاگاه راز، شماره ۸، ۱۵۸-۱۳۷.
- خطیبی، احسان. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی دیدگاه اخباریان در حجیت قطع با محوریت کلمات شیخ انصاری رحمه الله علیه». فقیهانه، شماره ۵، ۲۵-۸.

۲. www.rasekhoon.net/article/show/۱۵۷۴۹۹

- طالب، حمید. (۱۳۹۳). «مدرنیسم و شکل‌گیری نص‌گرایی: نگرشی در فهم زمینه‌های اخباری‌گری». جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۵، ۱۷۴-۱۴۷.
- علی‌پور، مهدی. (۱۳۸۵). «اخباری‌گری به‌مثابه روش اجتهادی (نگاهی به یک پارادوکس نما)»، پژوهش و حوزه، شماره ۲۷ و ۲۸، ۲۱۶-۱۸۶.
- فیض‌افرا، داود؛ ارجینی، حسین و مولوی وردنجانی، عیسی. (۱۳۹۷). «پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۳، ۱۴۲-۱۲۱.
- مظاهری کوهانستانی، رسول؛ میراحمدی، مریم. (۱۳۹۱). «بررسی نقش عقل در دوران اخباری‌گری». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۹، ۱۳۴-۱۱۵.
- میرزایی، عبدالله. (۱۳۹۲). «اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر». چیدمان، شماره ۱۱، ۵-۱.
- نظری، محمدتقی. (۱۳۷۹). «اخباری‌گری و تأثیرات آن در فقه شیعه»، مصباح، شماره ۳۶، ۱۲۴-۱۰۷.